

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندל شینر سون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

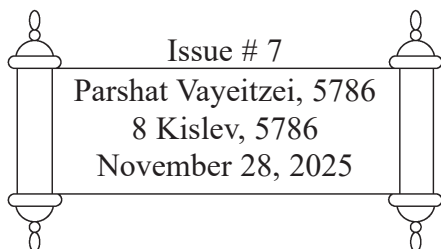
*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, November 28, Light Shabbat Candles, by 4:26 p.m.

Saturday, November 29, Shabbat ends at 5:29 p.m.

(Times are for Los Angeles)

JEWISH CHILDREN:
Get your own letter
in a Sefer Torah!
<http://www.kidstorah.org>

IN HONOR OF

Dr. Dovid ben Shoshana שיחי' Ghods

On the occasion of his birthday, 15 Kislev, 5786

MAY HE GO FROM STRENGTH TO STRENGTH
IN HEALTH, HAPPINESS, TORAH AND MITZVOT.

*

DEDICATED BY HIS FRIENDS AND FAMILY שיחי'

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

&

CPY
Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.
Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

<http://www.cpycenter.org>

e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzel Peer, Executive Director

Moshiach Awareness Center,
a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org>

e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

اشخاصی که در موقعیتی هستند که می توانند به او کمک کنند می بایست او را یاری دهند. این طرز تفکر که من می بایست وقتم را صرف خودم کنم، که خودم را کامل کنم کاملاً اشتباه است. چنین اشخاصی می بایست خودشان را صادقانه قضاوت کند و به این سؤال جواب دهند که من که هستم که این عمل من باعث بشود که شخص یهودی دیگری از اساسی ترین قوانین تورا محروم بشود؟ و بعد از آن حقیقتی را که علت ازدواج یعقوب با راحل بوده است را درک خواهند کرد و آن اینکه متوجه احساسات دیگران بودن و به دیگران توجه داشتن از اینکه انسان بخواهد خودش را با قوانینی که بالاتر از قوانین تورا است به درجات بالای معنوی برساند مهم تر و با ارزش تر است.

(منبع: لیکوتی سیخوت فصل پنجم صفحه ۱۴۱ الی ۱۴۸)
(Source: Likkutei Sichot, Vol. 5, pp. 141-148)

**To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095**

This week's issue is sponsored in part by:

YOSEF Y. SHAGALOV
Traveling Notary Public & Home Signing Agent
Member: National Notary Association
Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092
E-mail: yys770@aol.com
"For All Your Notary Needs - At **Your** Location"

وִיִּתְּסֶה

پارشای این هفته شامل ماجرای ازدواج یعقوب آوینو با دختران لاوان می باشد. عقیده ای وجود دارد که پدران ما تمامی قوانین تورا را حتی در زمانی که تورا هنوز داده نشده بود، انجام میدادند. بنابراین ازدواج یعقوب آوینو با دختران لاوان با این عقیده تناقض دارد چرا که ازدواج با دو خواهر برخلاف قوانین تورا می باشد. راشی نیز بنظر می رسد که هیچگونه توضیحی در این مورد نمیدهد. این مبحث این تناقض را رفع کرده و در این مورد درسی اخلاقی، برای ما فراهم میکند.

۱- زن های یعقوب

تمامی تفاسیر راشی بر یک اصل اساسی و مهم قرار دارد و آن اینکه "روش او برای مبنی است که تمامی مسائلی را که در ترجمه ساده تورا (پشتات) ^۱ وجود دارد را جواب بدهد". و در مورد خاصی که جوابی نمیدهد مسئله را مطرح کرده و اضافه می کند که "جواب این مسئله را نمیدانم" ^۲ و زمانی که مسئله ای را اصولاً مطرح نمی کند، علتش آن است که جواب آن حتی برای یک بچه پنج ساله نیز (زمانی که کودکان یهودی شروع به یادگیری تورا می کنند)، بسیار روشن و واضح است. ^۳ بنابراین بسیار تعجب آور است که در این پاراشا مسئله ای را متوجه می شویم که بسیاری از مفسران را به تفکر واداشته و آنرا مورد بحث قرار داده اند ولی راشی نه فقط آنرا مطرح نمی کند بلکه بنظر می آید که اصولاً به آن توجهی هم نشان نمی دهد.

در تورا آمده است که "یعقوب آوینو با راحل و لئا و بعداً بیلها و زلیپا که به عقیده ای ناخواهری راحل و لئا محسوب میشدند و در اینصورت همگی دختران لاوان بودند ازدواج کرد". ^۴ و از آنجا که ما بنابه سنت میدانیم که پدران ما تمامی قوانین تورا را انجام میدادند "حتی زمانی که هنوز تورا به آنها داده نشده بود". ^۵ چطور ممکن است که یعقوب با چهار خواهر ازدواج بکند در حالیکه در سفر و یقراً آمده است که "بادو خواهر ازدواج نکن" یعنی هیچ مردی نمی بایست با خواهر زنش ازدواج کند. ^۶ شاید، بتوانیم بگوئیم راشی به این علت

۱- پشتات معنای ساره تورا ۲- رجوع شود پاراشای تولدوت برشیت ۲۸، ۳- پیرکی آووت ۲۲-۵۶

۴- راشی برشیت ۵۰-۳۱ ۵- رجوع شود به برشیت راشی ۵-۳۲ راجع به یعقوب ۶- یقراً ۱۸-۱۸

آنرا توضیح نداده است که هنوز یک پسرک پنج ساله که این پاراشا را می خواند به پاراشای وییقا که در آن این موضوع منع شده است نرسیده است. ولی این جواب درست نیست زیرا که راشی حتی بعد از رسیدن به سفر وییقا و پاسوق مربوطه هنوز هم به این موضوع اشاره ای نمی کند. شاید بتوانیم بگوئیم که راشی فکر میکرده است که در میان تفاسیر مختلف ربانیم، جواب مشخصی برای این سؤال وجود دارد و دیگر لزومی ندارد که او هم آنرا تکرار کند. اما اینهم علت سکوت راشی در این مورد نمی باشد چرا که در مورد این مسئله اولاً در میان مفسرین اختلاف نظرهای بسیار زیادی وجود دارد و ثانياً تفاسیری که آنها میدهند در سطح معنای ساده تورا (پشت) که راشی با آن مربوط می شود، نمی باشد.

۲- تفاسیری چند

“رامبان”^۷ در پاراشای تولدوت توضیح میدهد که پدران ما ۶۱۳ فرمان را فقط در زمانی که در سرزمین ایسرائل زندگی میکردند اجراء میکردند و یعقوب آوینو زمانی با دو خواهر و یا چهار خواهر ازدواج کرد که در حاران یعنی در خارج از سرزمین ایسرائل زندگی میکرد. اما راشی این عقیده را نمی پذیرد برای آنکه او از قول یعقوب آوینو میگوید “^۸ در زمانی که با لاوان (در حاران) زندگی میکردم ۶۱۳ فرمان را نگاه میداشتم”.

تفسیر دیگر این است^۹ که یعقوب آوینو در حقیقت با این ازدواج ها دستور صریح تورا را برای آنکه دارای دوازده فرزند شده و در آینده آنها به دوازده سبط تبدیل بشوند را انجام داده است اما اگر چه زیاد شدن و بارور شدن یعقوب آوینو دستور صریح تورا بوده است ولی در هیچ کجای تورا ما نمی بینیم که خداوند برای انجام این کار به یعقوب آوینو دستور داده باشد که با چهار خواهر ازدواج کند. بلکه برعکس، ماجرای ازدواج یعقوب بصورت واضح به ما می گوید که او با راحل ازدواج کرد. برای آنکه از ابتدا خواهان او بود و هردو بیله و زلیله به یعقوب بوسیله زن هایش داده شدند.^{۱۰} (آنها در واقع برای راحل و لئا کمک هایی بودند) پس بنابراین ازدواج یعقوب آوینو با آنها بخاطر اجرای فرمان خداوند نبود.

بحث بزرگی ایست در مورد اینکه آیا پدران ما در انجام قوانین تورا قبل از داده شدن آن صرفاً آن قوانینی را انجام میدادند که نسبت به قوانین نوح مشکل تر بوده و یا همچنین آن قوانینی را که

قانون شده بود. تا آنجا که “یعقوب آوینو به خاطر احترام نگذاشتن به پدرش تنبیه شد”^{۲۱}. و این تنها بخاطر آن بود که این قانون یک قانون همگانی شده بود.

به این ترتیب اگر تضادی مابین قوانینی از تورا که پدران ما به عنوان تعهد شخصی بر خودشان قبول کرده بودند و قوانینی که در آن زمان داوطلبانه به عنوان تعهد اجتماعی انجام میشد واقع میشد قوانین آن زمان (قوانین پسران نوح) قدرت قانونی بیشتری پیدا میکرد و آنها انجام میشد. و یکی از آن قوانین که اجتماع آن روز همگی پذیرفته بودند فریب ندادن دیگران بود. به همین علت یعقوب لاوان را متهم می کند که “چرا مرا فریب دادی”؟^{۲۲} که در جواب لاوان به مشکل برخورد می کند و به سختی جوابی برای او پیدا می کند. و این خود نشان میدهد که لاوان هم قبول دارد که فریب دادن دیگران گناه است. حال ما می توانیم درک کنیم که چرا یعقوب با راحل ازدواج کرد علت آن بود که به او قول داده بود که با او ازدواج کند و “حتی به او علامانی داده بود که هویتش را در شب عروسی مشخص کند”^{۲۳}. و اگر با او ازدواج نمیکرد در واقع مثل آن بود که او را فریب داده گول زده بود و این عمل اهمیت و ارزش قانونی اش از قانونی که بعدها توسط خداوند در تورا عنوان میشد بالاتر بود قانونی که می گفت “با خواهر زنت ازدواج نکن”.

۴- توجه نسبت به دیگران

یکی از درس های اخلاقی این پاراشا این است که زمانی که فردی مایل است که بیشتر از آنچه که خداوند از او انتظار دارد انجام دهد. او می بایست کاملاً مطمئن باشد که این عمل را به بهای لطمه زدن و آزار دادن دیگران انجام نمی دهد و در واقع در مورد اوراهام می بینیم که عزت و ارزش اوراهام^{۲۴} در نظر خداوند آن نبوده است که او قوانین تورا را حتی قبل از دادن آنها انجام میداده است بلکه بخاطر آن بوده است که “او به فرزندانش و خانواده اش بعد از خودش دستور خواهد داد که به طریق خداوند عمل کنند. صداقت و قضاوت را انجام دهند”.

اینکه انسان بخواهد با انجام قوانینی خودش را به مراحل بالای روحانی برساند نمی بایست با ناراحت کردن دیگران و صدمه رسانیدن به دیگران چه مادی و چه معنوی انجام بشود. زمانی که یک یهودی هیچ چیزی راجع به میراث های یهودی اش نمی داند و احتیاج به کمک روحانی دارد

بنابراین حتی اگر قانون "شخص تغییر مذهب داده شده همچون یک نوزاد تازه بدنیا آمده می باشد". قبل از دادن تورا مورد استفاده قرار می گرفته است در این مورد خاص این قانون صادق نیست چرا که "عشق طبیعی مابین دو خواهر حتی بعد از تغییر مذهب شان در میان آنها وجود دارد"^{۱۵} که این عشق بوسیله داشتن یک شوهر به خطر می افتد.

۳- تعهدات شخصی و جمعی

جواب سؤال در این است که طریقی که پدران ما اوراهام و ییسیحاق و یعقوب در انجام قوانین تورا پیش می گرفتند نوعی تعهد شخصی بوده است که خودشان برخودشان می پذیرفتند و به همین علت بود که خداوند آنها را بسیار دوست میداشت.^{۱۶} "بخاطر آنکه او کلام مرا گوش میداد و قوانین مرا و میصووت تورا را نکه میداشت". به این ترتیب چنانچه فرمانی که به آنها دستور داده میشد با چیزی که آنها فقط می خواستند انجام بدهند در تضاد میبود دستور خداوند را انجام میدادند و دیگری را کنار می گذاشتند. به همین علت بود که اوراهام تا سن ۹۹ سالگی خودش را ختنه نکرده بود تا اینکه به او دستور داده شد که ختنه کند چرا که "قوانین نوح ریختن خون را حتی اگر به کسی صدمه ای هم نرزد ممنوع می کند".^{۱۷} و اگر چه عمل ختنه ارزشش از این ممنوعیت بالا تر بود فقط زمانی بوسیله اوراهام انجام شد که بوسیله خداوند دستور داده شد. و اما علاوه بر هفت فرمان نوح، ممنوعیت های دیگری هم وجود داشت که مردم آن زمان داوطلبانه برخودشان قبول کرده بودند. "همانگونه که راشی می گوید"^{۱۸} اقوام غیر یهودی خودشان را از زنا و اعمال زشت و فریب دادن دیگران باز میداشتند (حتی زمانی که برای آنها بطور واضح ممنوع نشده بود) و این نتیجه آمدن طوفان بود.^{۱۹} که مجازات این گناهان تصور میشد. این مطلب این تفسیر راشی را توضیح میدهد که تورا مرگ ترح را قبل از اینکه اوراهام خانه پدرش را ترک کند ذکر می کند (در حالیکه در واقع اوراهام پیش از مرگ پدرش خانه پدرش را ترک کرده بود) و راشی علت این جابجایی را در تورا اینگونه توضیح میدهد که مردمان آن زمان نگویند که اوراهام به پدرش احترام نمی گذاشت. و این "در زمانی است که دستور احترام به پدر و مادر هنوز توسط خداوند داده نشده بود".^{۲۰} ولی از آنجا که مردم برحسب خواسته خودشان این وظیفه را بر خود قبول کرده بودند احترام گذاشتن به والدین همچون یک

نسبت به قوانین نوح ساده تر هم بوده است را نیز انجام میداده اند. اگر ما دومین مورد را در نظر بگیریم (آن قوانینی را که ساده تر هم بوده است را نیز انجام میداده اند) و بخاطر داشته باشیم که همه چهار خواهر می بایست قبل از ازدواج با یعقوب آوینو یهودی شده باشند و این قانون ساده تر را نیز در نظر بگیریم که "شخص تغییر مذهب داده شده همچون یک نوزاد تازه بدنیا آمده است".^{۱۱} در نهایت به این نتیجه میرسیم که این ها با یکدیگر خواهر خوانده نمی شدند. بخاطر آنکه خویشاوندی و خواهر بودن آنها تحت تاثیر تغییر مذهب شان واقع شده است.

با این حال حتی این جواب نیز بدلیل زیر قابل قبول و رضایت بخش نمی باشد. الف - هیچگونه دلیلی از تورا وجود ندارد که پدران ما قبل از اهداء قوانین تورا، هیچگونه قانون دیگری را بجز قوانین نوح و (قانون بریت) انجام میدادند. بنابراین قوانینی که پدران ما بر خودشان قبول میکردند قوانینی بوده اند شخصی، که فقط خود آنها، آنرا انجام می دادند و فرزندان شان مجبور به انجام آنها نبوده اند. و به این ترتیب می توانیم نتیجه بگیریم که در زمان قبل از دادن تورا، هیچگونه تفاوتی مابین یهودیان و ملت های آن زمان وجود نداشته است و بنابراین اصولا این عقیده تغییر مذهب دادن و یهودی شدن در آن زمان معنایی نداشته است.

حتی عنوان این مطلب که انجام داوطلبانه ۶۱۳ فرمان نوعی تغییر مذهب بوده است کمکی به ما نمی کند چرا که انجام این ۶۱۳ فرمان نوعی سخت گیری بوده است که شخص خودش بر خودش قبول میکرده است که انجام دهد و این قانون ساده را که "شخص تغییر مذهب داده شده همچون یک نوزاد تازه بدنیا آمده است" را شامل نمی شود.

ب - علاوه بر این راشی در تفاسیرش بر تورا هرگز چنین قانونی را عنوان نمی کند و در واقع مطالعه لغت به لغت تورا ما را به طرف عقیده ای مخالف این قانون می کشاند. برای آنکه خداوند به اوراهام چنین می گوید که «اینک تو بسلامتی نزد پدرت خواهی آمد» به عبارت دیگر حتی با تغییر مذهب دادن اوراهام و پذیرفتن خداپرستی "ترج هنوز از نظر خداوند پدر اوراهام شناخته شده که اوراهام بعد از مرگ به او می پیوندد.

ج - و بالاخره همانگونه که در سفر و ییقرا عنوان شده ممنوعیت ازدواج با خواهر زن نه فقط بخاطر این است که آن خواهر به گروهی مربوط می شود که داشتن روابط نزدیک زناشویی با آنها ممنوع است. بلکه این قوانین بخاطر دلائل روحی و روانی نیز عنوان شده است. "چرا که این عمل عشق طبیعی که مابین دو خواهر وجود دارد را تبدیل به دشمنی و حسادت می کند"^{۱۴}